



سیره ائمه معصومین(ع)؛ نمایانگر تمدن قرآنی با محوریت اخلاق

سیره ائمه معصومین(ع) و علمای بزرگوار اسلام نمایانگر تمدن قرآنی است که در مقابل رفاه‌زدگی به عنوان محور تمدن کنونی قرار دارد و توجه به اخلاق و نیل به آرامش از محورهای اساسی آن به شمار می‌رود.

سیره ائمه معصومین(ع) و علمای بزرگوار اسلام نمایانگر تمدن قرآنی است که در مقابل رفاه‌زدگی به عنوان محور تمدن کنونی قرار دارد و توجه به اخلاق و نیل به آرامش از محورهای اساسی آن به شمار می‌رود.

همان‌طور که از لسان آیات کریمه قرآن و لسان روایات نیز برمی‌آید، دنیا حکم پیش‌نیاز را برای آخرت دارد؛ یعنی انسان با تحصیل نیکی‌ها در دنیا می‌تواند آخرتی بسیار مرفه را برای خود بیافریند؛ چنان‌که در قرآن کریم از لسان بنده خود موسی(ع) فرموده است: **وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ تَصِيَّتَكَ مِنَ الدُّنْيَا...**؛ با آنچه خدایت داده سرای آخرت را بجوی و سهم خود را از دنیا فراموش مکن» (قصص/77) که از این آیه طبق نقل تفاسیر نتیجه‌گیری می‌شود که آخرت با دنیا معنا پیدا می‌کند و در واقع اگر دنیا نباشد، آخرت سالبه به انتفاء موضوع خواهد بود.

امام امیرالمومنین(ع) هم در مورد وابستگی دنیا با آخرت در خطبه 28 نهج‌البلاغه می‌فرماید: **وَإِنَّ الدُّنْيَا قَدْ أَذْبَرَتْ، وَأَذْنَتْ بَوْدَاعِ، وَإِنَّ الْآخِرَةَ قَدْ أَقْبَلَتْ، وَأَشْرَفَتْ بِاطِّلَاعِ أَلَا وَإِنَّ الْيَوْمَ الْمِضْمَارَ وَغَدًا السِّيَاقُ، وَالسَّبْقَةُ الْجَنَّةُ، وَالْغَايَةُ النَّارُ...**؛ دنیا روی بازگردانده و وداع خویش را اعلام داشته است، آخرت روی‌آور شده و طلایه آن آشکار گردیده است. آگاه باشید! امروز، روز تمرین و آمادگی و فردا روز مسابقه است، جاذبه برندگان، بهشت و سرانجام عقب ماندگان آتش خواهد بود» (نهج‌البلاغه/خطبه 28).

مناسک حج؛ نمادی از تمدن قرآنی

امام علی‌بن ابی‌طالب(ع) در این بیان بسیار دقیق دنیا را به عنوان زمین مسابقه برای رسیدن به آخرت معرفی می‌کنند. انسان عاقل برای رسیدن به جامعه ایده‌آل قرآنی و به طور دقیق‌تر تمدن قرآنی باید این فرامین را نصب‌العین خویش قرار داده و بین دنیا و آخرت هیچ فاصله‌ای را قرار ندهد و دنیایش را هم‌زمان با آخرتش پیش برد که اگر بخواهیم نمونه‌ای برای این پیوستگی بین دنیا و آخرت ببینیم، مناسک حج بیت‌الله الحرام نمونه بسیار خوبی است.

در مراسم حج هم سخن از منافع مردم در میان است و هم منافع معنوی در اوج خود قرار دارد که هیچ عبادت و برنامه‌ای همچون حج نماد ارتباط قالب‌های عبادی و حضور معرفت و توجه عمیق به خداوند نیست. بنابراین در حج این مهم به صورت جدی موج می‌زند که هم اعمال رمزگونه با قالب‌های شخصی وجود دارد و درون این رفتارها و قالب‌ها معرفت موج می‌زند و توجه درونی جدی و گره خورده به ذکر خداوند وجود دارد.

ارتباط با خدا در حج موج می‌زند که هم اعمال رمزگونه با قالب‌های شخصی وجود دارد و درون این رفتارها و قالب‌ها معرفت موج می‌زند و توجه درونی جدی و گره خورده به ذکر خداوند وجود دارد

نمونه دیگر از پیوند میان دنیا و آخرت، سیره نبی‌مکرم اسلام(ص) و جانشینان بر حق ایشان است. انواع پیمان‌های بین قبیله‌ای و بین‌المللی که پیشوایان دین اسلام می‌بستند و انواع جنگ‌ها و صلح‌ها و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی، قضایی، نظامی، اقتصادی، سیاسی و مدیریتی که در فرمایشات بزرگان دین به ویژه در عهدنامه امام علی(علیه السلام) به مالک اشتر، مؤید پیوند دین و دنیا و نافی جدانگاری دین و دنیا در تاریخ صدر اسلام و قرون اولیه جوامع اسلامی است.

حال شاید این سوال به ذهن خطور کند که آیا می‌توان در دنیا بود ولی دنیا زده نشد؟ آری می‌شود در دنیا بود، ولی دنیا زده نشد! نمونه بارز آن را در علمای ربانی می‌توان یافت و برای نمونه مرحوم آیت‌الله شیخ محمدحسین غروی اصفهانی معروف به کمپانی را مثال زد. ایشان علی‌رغم زندگی در رفاه، رفاه‌زده نبود و نمونه کامل زهد بود که از دنیا باید برای آخرت زادی گرفت. اگر سیره‌های ائمه معصومین(ع) و علما را مد نظر قرار دهیم، به تمدن قرآنی می‌رسیم و دیگر دست به سمت رفاه‌زدگی دراز نمی‌کنیم.

نمونه دیگر از نیالودن به دنیا را می‌توان در احوالات شیخ ابوسعید ابوالخیر دید: آورده‌اند که ابوسعید مشغول موعظه در ترك مادیات بود که شخصی از حاضرین برخاست و گفت شیخ! تو دیگر از زهد دم مزنی که قافله شترانت در فلان منطقه‌اند و خانه فلان داری. شیخ

لبخندی زد و گفت: افسار شتران به گل زده شده و نه به دل!

امام خمینی(ره)، رهبرکبیر انقلاب، در ضمن درس اخلاق خود برای طلاب فرمودند: ای بسا که تاجری با آن همه سرمایه در بازار بهشتی شود، ولی طلبه‌ای در کنج حجره با داشتن تنها کتاب لمعه جهنمی شود. پرسیدند: چگونه ممکن است؟ ایشان گفت: آن تاجر دل به مال‌التجاره خود بسته، ولی آن طلبه به همان کتاب خود دل‌بستگی دارد.

اخلاق و محور تمدن قرآنی

بر این اساس، اگر قرآن در جامعه حکم فرما شود تمام شئون آن جامعه اخلاقی می‌شود و به قول استاد العرفا سید علی قاضی(ره):
«اگر نمازتان را تحفظ کنید، همه چیزتان محفوظ می‌ماند» حفظ نماز یعنی حفظ کامل پیوستگی دنیا و آخرت زمانی که نماز به عنوان يك عبادت مادی و معنوی محسوب شود. این نماز انسان و جامعه را می‌سازد؛ جامعه‌ای که به صورت واقعی اهل نماز شود جامعه‌ای می‌شود که در آن روح انسانی دمیده می‌شود و شرح حال همه افراد آن جامعه می‌شود همان ابیات بابا طاهر که می‌گوید: خوشا آنان که دائم در نمازند/ بهشت جاودان بازارشان بی.

نمود جامعه قرآنی می‌شود جامعه‌ای که در آن اخلاق حرف اول را می‌زند؛ اخلاقی که نمونه کامل آن پیامبر اکرم(ص) است که خدا در قرآن خطاب به آن سرور می‌فرماید: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ؛ و راستی که تو را خویی والا است»(قلم/4) جامعه‌ای که در آن قرآن راه پیدا کرده، می‌تواند تمدن‌ساز شود و تمدن قرآنی را بنا کند.

نمونه‌ای از این جامعه قرآنی را در مردم صدر اسلام می‌توان یافت که به رغم این‌که سال‌ها در جاهلیت غوطه‌ور بودند، وقتی قرآن در بین آن‌ها رسوخ پیدا کرد، دیگر بدگویی در بینشان راه نداشت و در برخی تواریخ آمده مردم صدر اسلام زمانی که با یکدیگر برخورد می‌کردند، بعد از صحبت‌های روزمره سوره‌ای از قرآن را با یکدیگر می‌خواندند.

برخی از اصحاب نبی مکرم اسلام(ص) برای جلوگیری کردن از غیبت در زیر زبان خود سنگ می‌گذاشتند تا مشغول به غیبت نشوند یا در حالات مهاجرین و انصار آمده است که با وجود سابقه جنگجویی، خانه‌ها را با پرده‌ای دو نیم می‌کردند تا برادران مهاجر خود در آن خانه‌ها بیاسایند. این نمونه و نمونه‌های دیگر نمونه‌هایی است از قرآنی شدن جامعه و در پی قرآنی شدن آسایش و آرامش به وجود خواهد آمد.

سجاد رضائی